

بسنجم و به اصطلاح بالا و پایین کنم، تصور می‌کنم بعد از چندسال که بی‌دری نمایشگاه داشتیم، بدن بود به خودم برگردم و کمی فکر کنم. اوضاع و احوال را بررسی کنم و ببینم کجا ایستادم و اصلا چه چیز را می‌خواهم. آیا این مسیری که می‌روم درست است؟ آیا همین را می‌خواهم و می‌خواستم؟ یا بهتر این است که بازنگری در خود داشته باشم. خیلی با خودم کلنجار رفتی و می‌دانستم که در واقع دلم می‌خواهد راه را برای خودم بندهم و فقط به یک روش کار نکنم. در نتیجه مدتی فقط طراحی کردم تا این که به این ایده رسیدم! این که یک جانشینم و از یک نقطه کار کنم. روی این موضوع تمرکز کردم و برایم جالب بود ببینم در این کار تا کجای می‌توانم پیش بروم.

آیا وقتی شروع به کار کردید به همه جای این موضوع فکر کرده بودید؟
وقتی شروع کردم و نخستین کار را که انجام دادم، دوست داشتم بدانم در این کار چقدر می‌توانم ادامه دهم. در دومین و سومین کار به این نتیجه رسیدم که ایده خوبی است. اما باید بگویم اصلا نمی‌دانستم تا کجا پیش خواهیم رفت و چه اتفاقی در کارم رخ خواهد داد!

ما همیشه فکر می‌کنیم برای کسب تجربه باید جاهای مختلفی رفت و چیزهای مختلفی دید. اما می‌خواهم از شما بپرسم آیا ایده، جز خلق تابلوها، آیا در یافت و بزای برای شما داشت؟ اصلا آیا تا به حال این تجربه را داشتید که روزها یک جا بنشینید و به یک نقطه نگاه کنید؟ به نظر کار سختی می‌رسد!
تا الان این تجربه را نداشته‌ام و فکر می‌کنم خیلی‌ها این تجربه را ندارند. قبلا تجربه این را داشتم که مدتی طولانی و هر روز از آدم‌های مختلفی که مدل کار من می‌شدند، طراحی کنم. یا مثلا روی یک موضوع خاص به خاطر ابعاد و نوع تکنیک به مدت طولانی کار کنم. ولی تجربه به این شکل برایم جدید بود. در این مدت ۴۴ نقاشی کشیدم، اما وقتی برای شروع سعی‌ام این کار هم انجام نشد. فکر کردم که این فضا چه به من می‌دهد و من در کارم چه تجربه جدیدی به دست می‌آورم. یک روزهایی خیلی سخت بود، ولی به هر حال اطمینان دارم که برای خودم خیلی مفید بود.

همین‌کدام از دو اثر شما شبیه به هم نبود و هر کدام رنگ و متریال خود را داشت. آیا این از بازگوشی ذهن شما می‌آمد یا هدف و مفهوم خاصی داشت؟

تیرگی و روشنی‌ها و متریال‌های مختلف، همه به احساسی که در آن لحظه داشتم برمی‌گردد و کاری که می‌کردم این بود که جلوی احساسم را بگیرم و به آن اعتماد کنم و اجازه می‌دادم آن چیزی که باید، خودش اتفاق بیفتد.

● ● ● **نمایشگاه نقاشی‌های «معصومه مظفری» تا ۱۲ آذر در گالری «طراحان آزاد» برپاست. شماره دیدن جستارهای او دعوت می‌کنم.**



حکایت یک زن که از دری نیمه‌باز به بیرون نگاه می‌کرد

● ● ● به مناسبت نمایشگاه آثار «معصومه مظفری»، یکی از نقاشان زن معاصر و مدیر انجمن نقاشان ایران

موضوعی اما چیزی که در تمام این دوره‌ها وجود دارد، انسان است. حتی آن جایی که طبیعت بی‌جان کار کرده (مانند مجموعه مین ردی از انسان را در آثارش می‌بینیم. «گرمازدگی»، «برچهره‌هایشان»، «دویدن»، «در حضور دیگران» تمام این مجموعه‌ها به‌طور مستقیم موضوع انسان دارند. انسان‌هایی با صورت‌های به‌تازده، مات و بی‌خنده، که در چشمان بیننده‌زل زده‌اند. انگار گنج و مبهوت‌ات‌انگافی هستند که چند لحظه پیش برایشان رخ داده است. این بار هم که «در جایی دیگر» را نشانمان می‌دهد، در واقع جایی را به تصویر کشیده که مکانی برای حضور انسان است.

خانم «مظفری» مثل همیشه با استقبال خوبی همراه بود. تعداد زیادی از اساتید این رشته و همین‌طور جوان‌ترها برای دیدن آثارش به آن جا آمده بودند. او بعد از سه‌سال نمایشگاهی انفرادی برگزیده و حتما برای همه جالب بوده تا ببینند این بار «معصومه مظفری» در این نمایشگاه با عنوان «در جایی دیگر» ما را با خودش به کجا می‌برد.

● ● ● خانم «مظفری» پنجاه و چندساله‌است؛ زندگی‌اش در بیش از دوسوم این پنجاه‌وچند سال به نقاشی گذشته. این‌طور که از زبان خودش شنیده‌ایم وقتی

موضوعی اما چیزی که در تمام این دوره‌ها وجود دارد، انسان است. حتی آن جایی که طبیعت بی‌جان کار کرده (مانند مجموعه مین ردی از انسان را در آثارش می‌بینیم. «گرمازدگی»، «برچهره‌هایشان»، «دویدن»، «در حضور دیگران» تمام این مجموعه‌ها به‌طور مستقیم موضوع انسان دارند. انسان‌هایی با صورت‌های به‌تازده، مات و بی‌خنده، که در چشمان بیننده‌زل زده‌اند. انگار گنج و مبهوت‌ات‌انگافی هستند که چند لحظه پیش برایشان رخ داده است. این بار هم که «در جایی دیگر» را نشانمان می‌دهد، در واقع جایی را به تصویر کشیده که مکانی برای حضور انسان است.

خانم «مظفری» پنجاه و چندساله‌است؛ زندگی‌اش در بیش از دوسوم این پنجاه‌وچند سال به نقاشی گذشته. این‌طور که از زبان خودش شنیده‌ایم وقتی

موضوعی اما چیزی که در تمام این دوره‌ها وجود دارد، انسان است. حتی آن جایی که طبیعت بی‌جان کار کرده (مانند مجموعه مین ردی از انسان را در آثارش می‌بینیم. «گرمازدگی»، «برچهره‌هایشان»، «دویدن»، «در حضور دیگران» تمام این مجموعه‌ها به‌طور مستقیم موضوع انسان دارند. انسان‌هایی با صورت‌های به‌تازده، مات و بی‌خنده، که در چشمان بیننده‌زل زده‌اند. انگار گنج و مبهوت‌ات‌انگافی هستند که چند لحظه پیش برایشان رخ داده است. این بار هم که «در جایی دیگر» را نشانمان می‌دهد، در واقع جایی را به تصویر کشیده که مکانی برای حضور انسان است.

در جست‌وجوی کهکشان‌های ناپیدا

است. از تکنیک و روش کار او بی‌خبریم، اما چیزی که نتیجه کار به ما نشان می‌دهد، برخورد اتفاقی رنگ‌ها با بوم و ایجاد بافت‌های متنوع است. برخورد رنگ‌ها رخ داده ما را به یاد تصاویر فضاپیماها از مکران خارج از جو کره‌زمین می‌اندازد. حتی خیلی قبل‌تر از اکنون. انفجارهایی که منجر به ایجاد کهکشان‌ها، منظومه‌ها، سیارات و ستارگان شده‌اند. پس می‌توان گفت او مشغول «انهدام، خلق و ایجاد» است. رفتارهای «اکشن پینتینگ» او تابلوهایی بزرگی ایجاد کرده‌اند که با مشاهده‌شان خود را در بیکران آسمان‌ها خواهید دید.

«نیروی محرکه اصلی در کارهای اطمینانی عامل تصادف است که تمدا ایجاد می‌شود تا او بتواند با مشاهده و همراهی این حادثه پر آشوب آن را به تدریج واضح، زیبا و یکپارچه گرداند. اگر با ذره‌بین به این آثار نگاه کنید، چندلایه‌بودن ساختار ارگانیک آنها و ریزبافت‌های منظم‌شان را خواهید دید که چگونه همه چیز را به هم پیوند داده‌اند. در تمام این سال‌ها نقاشی کردن و مشاهده روند آن باعث شده تا هنرمند به تشکیل هستی، منشأ حیات، ظهور جسم و سرچشمه جان بیندیشد و با این معانی زندگی کند.»

در سالن بعدی در مورد زندگی و بیشتر روند کاری که طی این سال‌ها گذرانده، توضیحاتی روی دیوارها نوشته شده. این توضیحات با آثاری از او که مربوط به همان دوره است، همراه شده‌اند. زندگی‌نامه او با جمله «۱۳۳۵: در سیزدهم اسفند در تهران متولد می‌شود» شروع می‌شود و در ادامه با سال ۱۳۴۸ و دوران دبیرستان او ادامه می‌یابد. ۱۳۵۷ و رفتن به انگلستان و سپس آمریکا، پاییز ۱۳۶۳ و تجربه‌ای که او را به

«بنیاد لاجوردی» اقدام به نمایش دوره‌های کاری یکی از نقاشان معاصر به نام «بابک اطمینانی» کرده است. عنوان این نمایشگاه «بابک اطمینانی، مروری بر آثار» بوده که بیش از یک هفته از شروع آن می‌گذرد. همچنین از کتاب مجموعه آثار و نیز رونمایی شده و این برای علاقه‌مندان به کتاب در دسترس و قابل خرید است. «بابک اطمینانی» نقاشی است که او را بیشتر با آثار آسترش‌هاش می‌شناسند. کسی که انبوهی از نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی، داوری جشنواره‌ها و دوسالانه‌ها، تدریس در دانشگاه، برگزاری کارگاه و سخنرانی‌های متعدد، برگزیده چهارمین دوسالانه بین‌المللی نقاشی معاصر جهان اسلام و عضو هیات‌مدیره انجمن نقاشان ایران را در رزومه خود دارد. او که پس از تجربه رشته‌های گوناگون، سرانجام در ۲۸ سالگی به نقاشی علاقه‌مند شد. این اتفاق در زمستان سال ۱۹۸۴ در کالیفرنیا و با دیدن منظره‌ای در طبیعت و احساس خاصی درون او شروع شد. سال‌ها کار و تجربه جدی در این زمینه، امروز باعث شکل‌گیری این نمایشگاه و چاپ کتاب از او شده است.

بد نیست برای آشنا شدن بیشتر با او به دیدن آثارش بروید. در این نمایشگاه پس از ورود و در سالن نخست ۱۰ اثر با ابعاد بزرگ متشکل از چند دوره کاری او روی دیوار نصب شده‌اند. بالای چهار تابلو این جمله روی سقف حک شده: «و من این دشت را درمی‌نوردم در خموشی و در سکوت، در جست‌وجوی حیاتی که نگاه تو من در انگیخته، ای ظلمت منور!» شاید بتوان آن را بیان‌های گویا برای بخشی از نقاشی‌های آسترش «بابک اطمینانی» دانست. آثار او معنی‌کننده کلمه «اتفاق و حادثه»



هنرمندان رشته‌های تجسمی برای «نجات کودکان» همراه شدند

برگردید تا اسب‌های «محمدهادی فدوی و حسین محجوبی»، «مکسی از مرحوم کیارستمی اثر «سیف‌الله صمدیان» و تابلوی خوشنویسی از استاد «لهلی»، در این بین آثار مجسمه‌ای از هنرمندان مختلف هم روی زمین قرار داده شده بود.

در روز افتتاحیه نیز گالری «پردیس ملت» میزبان هنرمندان تجسمی و دیگر رشته‌های هنری، مجموعه‌داران و علاقه‌مندان بود و فروش «همیلیون تومانی به همراه داشت. نکته قابل توجه در رویدادهای خیریه مانند همین نمایشگاه، حضور بی‌دریغ هنرمندانی است که آنها را در سطوح بالای این هنر شایده بودیم. کسانی که شایده آنها را کمتر در نمایشگاه‌های گروهی آن هم با تعداد بالای شرکت‌کنندگان دیده‌ایم، اما در رویدادهای اینچنینی آثار گرانیقیمت خود را جهت کمک به حراج می‌گذارند و این از ارزشمندترین نتایج نمایشگاه‌های خیریه‌است.



در گالری «پردیس ملت» یک نمایشگاه گروهی با مشارکت تعداد زیادی از هنرمندان با عنوان «برای نجات کودکان» برگزار شد. این نمایشگاه خیریه شامل آثاری از نقاشی، خوشنویسی، مجسمه و چاپ بود که بدون موضوع مشترک، تنها برای نمایش و فروش به معرض دید در آمدند.

خانم «سعیده ایشناسان» با همکاری گالری «پردیس ملت» و کمک «علیرضا جوادی» (دبیر اجرایی)، نمایشگاه «برای نجات کودکان» را در این گالری برگزار و تمام عواید آن را صرف ساخت قرظینه (مرکز بازپروری) و مرکز پزشکی برای کودکان دارای نقص ایمنی می‌کند. سال گذشته نیز جراحی به نفع همین کودکان برگزار شده بود و با عواید حاصل از آن هزینه عمل چند کودک پرداخت شد. خانم «ایشناسان» در این باره می‌گوید: «متأسفانه برای این کودکان، امکانات لازم و بیمارستان تخصصی در ایران وجود ندارد. سال گذشته با بخشی از عواید حراج گوهران هزینه عمل جراحی چند کودک پرداخت شد که با توجه به هزینه‌های پرتعداد آن، متأسفانه به دلیل نبود محل قرظینه فوت شدند، برای همین تصمیم گرفتیم فعالیت این مرکز پزشکی را با ساخت قرظینه آغاز کنیم. قصد داریم در این مرکز شرایط بازپروری این کودکان را که همواره در معرض مرگ و میر قرار دارند، مهیا کنیم.»

هنرمندان زیادی در برپایی این مجموعه سهمی بوده‌اند. آثار «حمدمرشدلو، نیلوفر قادری‌نژاد، ابراهیم حقیقی، سیف‌الله صمدیان و ژازه طباطبایی» به همراه ۱۰۵ هنرمند دیگر در این مجموعه حضور دارند. این نمایشگاه در برگیرنده آثار متنوعی از این هنرمندان است. از نقاشی‌های پرنرنگ و نقش «درخش فراهانی»